

معلم فکور موقعیت‌شناس اهل‌شنا کردن و دست‌وپا زدن است

دکتر علی‌رضا صادق‌زاده قمصری
صاحب‌نظر حوزه‌ی تعلیم و تربیت و معاون دانشگاه فرهنگیان

ام‌لیلا صمدی لولاکی
عکاس: رضا بهرامی

هدف از تأسیس دانشگاه فرهنگیان چه بود و چه فعالیت‌هایی در آن انجام می‌شود؟ آیا در فعالیت‌های خود به مبانی نظری آموزش و پرورش هم نظر دارید؟

برای تحول و تغییر اساسی در آموزش و پرورش، عوامل گوناگونی نقش‌آفرین‌اند، اما مهم‌ترین عامل معلم است. باید در بینش، نگرش، مهارت‌ها و نوع عملکرد معلم تغییر جدی ایجاد شود تا انتظاراتی که از تحول بنیادین در نظام آموزشی داریم، محقق شود. بنابراین، آنچه در سند تحول بنیادین شاه‌بیت تغییر و تحول محسوب می‌شود، معلم است. به همین خاطر، در زیرنظام تربیت معلم و نیروی انسانی نظام آموزشی در سند تحول، هم به جذب معلمان جدید و هم به اصلاح و تغییر و تحول معلمان موجود بسیار تأکید شده است. قبل از این، ورود به نظام آموزشی نظام‌مند نبود و چه بسا در سال‌های اخیر مورد کم‌لطفی هم قرار گرفته بود. بنابراین، تصمیم گرفته شد دانشگاهی به نام دانشگاه فرهنگیان داشته باشیم که به تعبیر **دکتر فانی**، بهسازی نیروی انسانی موجود آموزش و پرورش را انجام دهد.

اشاره

تربیت معلم فکور اصلی‌ترین رسالت دانشگاه فرهنگیان اعلام شده است. از این رو، با یک مقام مسئول در این دانشگاه، دکتر علی‌رضا صادق‌زاده، به گفت‌وگو نشستیم تا معلم فکور را بیشتر بشناسیم. صادق‌زاده پس از اخذ دیپلم ریاضی، بنا بر علاقه‌اش، برای ادامه‌ی تحصیل وارد حوزه‌ی علمیه شد. در سال ۶۸، تحصیل در دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی علوم تربیتی را آغاز کرد. سپس دوره‌ی کارشناسی ارشد را در رشته‌ی تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش گذراند. در سال ۸۲ هم موفق به اخذ مدرک دکترای فلسفه‌ی تعلیم و تربیت از دانشگاه تربیت مدرس شد و در سال ۸۴ به عضویت هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت مدرس درآمد. در طی این سال‌ها، تعلق خاطر وی عموماً به حوزه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی بود. از این رو مسئولیت گروه پژوهشی تعلیم و تربیت اسلامی در پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت، مدیریت مرکز مطالعات تربیت اسلامی در حوزه‌ی علمیه‌ی قم و مسئولیت کمیته‌ی مطالعات نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را بر عهده داشت. صادق‌زاده از سال ۹۲ تاکنون معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان است، از این رو ویژگی‌های معلم فکور را در گفت‌وگو با وی به بحث گذاشتیم.



تربیت معلم فکور که از اهداف اصلی دانشگاه فرهنگیان عنوان شده است، چگونه معلمی است؟ این معلم چه تفاوتی با معلمان دیگر دارد؟

در مبحث نظام تربیت معلمان در مبانی نظری سند تحول، تعبیر «معلم فکور» را یکی از کلیدواژه‌های اصلی برای توصیف معلم در نظر گرفتیم. معلمان نظام آموزشی را می‌توان به‌طور کلی به چند دسته تقسیم کرد. بایمان این اقسام، تفاوت معلم فکور با آن‌ها مشخص می‌شود: یک نوع معلم که شاید خیلی هم رایج باشد، معلم سنتی است که در نگرش و رفتارهای او چیزی از نوآوری دیده نمی‌شود. معلم دیگر معلم بوروکرات است. این معلم سعی می‌کند به هر آنچه از بالا به او دستور می‌دهند و در بخش نامه به او توصیه می‌کنند، عمل کند. سومین نوع معلم را تکنوکرات می‌نامیم. این معلم علم‌مدار است و فکر می‌کند تعلیم و تربیت بیشتر امری فنی است و باید از اهل فن در حوزه‌هایی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت و فناوری تبعیت کند. نوع دیگر معلم، معلمی است که تجربه‌مدار است. این معلم به دنبال این است که با آزمون و خطا و تجربه‌ی شخصی، روش تدریس خود را بهبود ببخشد. معلم فکور با این چند نوع معلمی که از آنان نام بردم، متفاوت است. معلم فکور کسی است که اهل تغییر و تحول است. از ارزش‌ها، سنت‌ها، بخش‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها صد درصد تبعیت نمی‌کند، بلکه به شکل انتخاب‌گر از آن‌ها بهره می‌گیرد. معلم فکور حرف‌های صاحب‌نظران، متخصصان و فناوران آموزشی را می‌شنود، اما صد درصد از آن‌ها تبعیت نمی‌کند و خود را دست و پا بسته در اختیار آن‌ها قرار نمی‌دهد. اهل تجربه است اما به‌صورت آزمایش و خطا عمل نمی‌کند. معلمی است که موقعیت را همیشه یک اصل در نظر می‌گیرد، اصول و چارچوب دارد و در چارچوب این اصول با سنت‌ها، دستورالعمل‌های اداری، توصیه‌های متخصصان و تجربه‌های شخصی خود و دیگران مواجه می‌شود و به اصلاح موقعیت و عمل می‌پردازد. به‌عنوان یک عامل بی‌اراده، به هر چه که از بالا به او تجویز شده یا از دیگران شنیده است گوش نمی‌دهد.

مبنای فلسفی تربیت معلم فکور چیست؟

اینکه معلم بداند تعلیم و تربیت امری مکانیکی و یکسان نسبت به همه‌ی موجودات نیست، عمل تربیت یکتاست. چون انسان موجودی است واحد و امروزش با دیروز فرق دارد. اگر ما یکتایی موضوع تربیت و منحصر به فرد بودن عمل تربیت را باور کنیم و بپذیریم، برای همه‌ی اعمال تربیتی و همه‌ی متریبان دستورالعمل‌های یکسان و واحد صادر نمی‌کنیم. موقعیت‌مداری و توجه به موقعیت خاص، معلم فکور را از مواجهه‌ی یکسان با همه‌ی متریبان و همه‌ی موضوعات تربیتی باز می‌دارد. البته این‌طور نباشد که هر کسی هر کاری خواست، انجام دهد، بلکه معلم باید به یک چارچوب برسد و اصول و معیارهایی برای مواجهه با متریبی و دانش‌آموز داشته باشد. اینجاست که ما در مبانی تربیتی این تعبیر را به‌کار می‌بریم که معلم فکور باید فلسفه‌ی تربیتی شخصی داشته باشد. این معلم در عین حال که فلسفه‌ی تربیتی اجتماع را قبول دارد، با انتخاب اصول و چارچوب،

فلسفه‌ی تربیتی شخصی خود را می‌سازد و با موقعیت‌ها برخورد منطقی و خردورزانه دارد.

آیا ویژگی‌هایی که برای معلم فکور برشمردید، اکتسابی و قابل آموزش در دانشگاه هستند یا اینکه افراد از همان ابتدای گزینش باید از بخشی از این ویژگی‌ها برخوردار باشند؟

بسیاری از افراد در نظام اجتماعی طوری تربیت شده‌اند که تابع و مطیع هستند و جسارت مواجهه با شرایط حاکم بر محیط را ندارند. اگر کسی این‌گونه باشد، قطعاً نمی‌تواند در نظام آموزشی هم غیر آن حرکت کند. بنابراین، در آغاز نظام تربیت معلم باید دقت داشته باشیم فردی که برای معلمی انتخاب می‌کنیم، کسی باشد که روحیه‌ی مواجهه با شرایط حاکم بر محیط را داشته باشد و اگر شرایط محیطی به او فشار آورد، اهل حرکت علیه جریان‌ها باشد. ماهی سیاه کوچکی باشد که برخلاف جریان رود حرکت کند. اما با وجود این می‌توانیم در دوران تربیت معلم بسیاری از مقدمات، از جمله زمینه‌ی پرورش تفکر انتقادی را در دانشجو به وجود بیاوریم. باید اجازه دهیم که دانشجو خارج از شیوه و روشی که ما، گذشتگان و دیگران می‌اندیشیدیم فکر کند.

آیا هم‌اکنون در دانشگاه فرهنگیان شرایط تربیت معلمی که توصیف کردید فراهم شده است؟ آیا واقعاً دانشجو معلمان ما به اینجا می‌رسند؟

ما واقعاً در دانشگاه فرهنگیان هنوز قدم‌های اول را برمی‌داریم. دانشگاه فرهنگیان یا هر نظام تربیت معلمی که می‌خواهد به سمت نظام تربیت مطلوب حرکت کند، قطعاً باید این نگاه را داشته باشد. باید معلمی تربیت شود که برای خود استقلال رأی و استقلال تجربه قائل باشد و خود را با گذشتگان و دیگران متفاوت ببیند؛ یعنی اهل ابداع و نوآوری باشد.

چه رهنمودی برای معلمان و دیگر مخاطبان نشریه‌ی ما که می‌خواهند فکورانه عمل کنند دارید؟

به مخاطبان نشریه و بیش از همه به معلمان فعلی‌مان توصیه و از آن‌ها خواهش می‌کنم در مواجهه با شرایط اجتماعی، فرهنگی و شرایط دیگری که احساس می‌کنند بر آن‌ها تسلط دارد، احساس انفعال نکنند و برخورد فعال داشته باشند. معلم اگر می‌خواهد دانش‌آموزان را به رشد برساند، باید ابتدا از خودش شروع کند و نسبت به شرایط محیطی که علی‌الاصول محدودیت‌هایی را برای او ایجاد می‌کند احساس انفعال نکند و خود را دست و پا بسته در این جریان قرار ندهد. اهل شناکردن دست و پا زدن باشد. معلم خوب معلمی است که جریان‌ساز است نه اینکه جریان او را ببرد. معلمان ما باید به این‌جا برسند که در جامعه تأثیرگذار باشند و محیط جامعه را تغییر دهند. اگر کسی این رویه را ندارد، معلم خوبی نخواهد بود. همان‌طور که می‌گوییم، معلمی شغل انبیاست. اگر به زندگی پیامبران الهی مراجعه کنیم، می‌بینیم که همه‌ی آن‌ها روحیه‌ی مواجهه با شرایط نامناسب را داشتند.